

فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم
۹	پیشگفتار
۱۱	۱. مقدمه
۱۱	۱. عشق در فلسفه یونان
۱۶	۲. عشق در یهودیت
۲۱	۳. عشق در مسیحیت
۲۶	۴. عشق در اسلام
۲۶	a. قرآن و حدیث
۲۷	b. کلام
۲۹	c. فلسفه
۳۸	d. عرفان
۵۷	۲. نظریه غزالی درباره عشق الاهی در کتاب المحبۃ
۵۷	۱. مقدمه
۵۸	۲. تعریف، مبادی و اسباب عشق
۶۷	۳. اسباب عشق به خداوند
۷۵	۴. روش عشق ورزی به خداوند
۹۶	۵. علائم عشق
۱۰۱	۶. عشق خداوند به انسان
۱۰۳	۷. خلاصه

۳. نظریه دبتاغ درباره عشق الاهی

۱. تعریف عشق
۲. جنبه بشری در عشق به خداوند
۳. جنبه افاضه در عشق به خداوند
۴. کمال، جمال، و لذت
۵. قرابت در حکم یکی از اسباب عشق
۶. طبقه بندی عشق
۷. انواع عاشقان
۸. مقامات و احوال عشاق
۹. روابط میان احوال
۱۰. خلاصه

بسم الله الرحمن الرحيم

- بی‌نوشت‌ها
 - ارجاعات و کتبه نوشت‌ها
 - پیوست: روش برتر غزالی برای شناخت خداوند
 - کتابنامه
- | | |
|-----|-----|
| ۱۵۹ | ۱۰۵ |
| ۲۰۵ | ۱۰۶ |
| ۲۱۵ | ۱۱۰ |
| ۲۳۹ | ۱۱۸ |
| | ۱۲۴ |
| | ۱۳۲ |
| | ۱۳۵ |
| | ۱۴۰ |
| | ۱۴۵ |
| | ۱۵۱ |
| | ۱۵۵ |

عشق از جمله پدیده‌هایی است که از آغاز با وجود بشری عجین بوده و همواره نظر متفکران، اعم از عالمان، فیلسوفان، عارفان و الاهدانان را به خود جلب کرده است. اینان کوشیده‌اند تا این وضعیت خاص وجودی انسان را به نحوی تعریف، تبیین و گاه تجربه کنند؛ به گفته اریک فروم: 'هر نظریه‌ای درباره عشق باید با نظریه‌ای در باب هستی انسان آغاز شود، و عشق یگانه پاسخ کافی و عاقلانه به مسئله هستی انسان است.'

یادداشت مترجم

عشق از جمله پدیده‌هایی است که از آغاز با وجود بشری عجین بوده و همواره نظر متفکران، اعم از عالمان، فیلسوفان، عارفان و الاهدانان را به خود جلب کرده است. اینان کوشیده‌اند تا این وضعیت خاص وجودی انسان را به نحوی تعریف، تبیین و گاه تجربه کنند؛ به گفته اریک فروم: 'هر نظریه‌ای درباره عشق باید با نظریه‌ای در باب هستی انسان آغاز شود، و عشق یگانه پاسخ کافی و عاقلانه به مسئله هستی انسان است.'

در این راستا، عشق الاهی نیز به عنوان موضوعی جذاب و قابل تأمل برای عارفان و پیروان ادیان مطرح بوده و حصول آن، به منزله یک موهبت، آرمان غایی آنان بوده است.

علی‌رغم اینکه در قرآن و کتاب مقدس اشارات متعددی به موضوع عشق الاهی وجود دارد اما این کتاب‌ها آن را مستقیماً مورد بحث قرار نداده‌اند. گویی، واژگان توان بیان عمق و پیچیدگی این تجربه را ندارند، تجربه‌ای زیبا و وصف‌ناپذیر که در طی آن آدمی حضور خداوند را در هستی می‌یابد و جمال آن را ادراک و مشاهده می‌کند؛ و شاید به همین سبب است که بسیاری از صوفیه نیز که در واقع 'عشق' را پیر خود در سلوک الی‌الله می‌دانند در ارائه تعریف جامعی از عشق توفیق چندانی نیافته‌اند.

این کتاب به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های دو محقق اسلامی، غزالی (د ۵۰۵ ق. / ۱۱۱۱ م.) و دبتاغ (د ۶۹۶ ق. / ۱۲۹۶ م.)، که به نظر مؤلف صاحب نظریات کاملی در باب عشق الاهی (تعریف، اسباب، علائم، و انواع عشق) بوده‌اند پرداخته

است. مؤلف خاستگاه‌های این نظریات را در آراء فلاسفه یونان باستان از جمله: افلاطون و بویژه اسطوره مشهور او در رساله مهمانی، ارسطو و فلوطین می‌داند و سپس آن را در منابع یهودی و مسیحی دنبال می‌کند، و پس از پی‌گیری بحث در حوزه قرآن و حدیث، فلسفه، کلام و عرفان اسلامی (بویژه نظریات عشق در "رساله عشق" اخوان‌الصفاء و ابن‌سینا)، نظریات غزالی و دَبَاغ را به تفصیل می‌کاود. وی نظریه غزالی را در باب عشق الاهی، عمدتاً متأثر از افلاطون و ابن‌سینا دانسته و رد پای نظریه دَبَاغ را که خود متأثر از اندیشه‌های غزالی است در آراء نوافلاطونی می‌یابد. اما آنچه در این کتاب جلب توجه می‌کند آن است که هیچ ذکری از احمد غزالی (د. ۵۲۰ق) و کتاب سوانح او که مجموعه‌ای دلنشین و اولین اثر صوفیانه مستقل در باب عشق به زبان فارسی است نیامده است، شاهکاری ادبی که به نشر با زبانی شاعرانه در سال ۵۰۸ق تصنیف شده و صوفیان قرون بعد نیز بر آن شروحو نوشته‌اند.

مؤلف این اثر: بنیامین آبراهامف، در رشته علوم سیاسی و عربی تحصیل کرده و Ph.D. را در سال ۱۹۸۲ دریافت کرده است. پژوهش‌های او در زمینه الاهیات، عرفان و کلام اسلامی، و متکلمان مسلمان شامل چندین کتاب و نیز مقالات متعددی در مجله‌های *JRAS, Der Islam, Abr Nahrain, Studia Islamica* و دیگر مجلات علمی است که ترجمه یکی از این مقالات در ضمیمه این کتاب آمده است. در نگارش این ترجمه سعی شده است با مراجعه به اصل منابعی که مؤلف مطالب خود را به آنها ارجاع داده است معادل صحیح واژه‌ها و جملات جایگزین گردد، ضمن اینکه در بیان نظرات مؤلف و امانتداری در ترجمه نیز دقت لازم به عمل آید.

در خاتمه، بر خود لازم می‌دانم که از تمام کسانی که مرا در این راه یاری کردند تشکر کنم، همچنین از استاد یگانه جناب آقای دکتر سیدفتح‌الله مجتبابی که همواره از رهنمودهای ارزشمندشان بهره برده‌ام کمال امتنان را دارم. و اما، استاد فرزانه جناب آقای مصطفی ملکیان که خالصانه، با دقت و دلسوزی تمام این متن را ملاحظه و اصلاح نمودند، از ایشان نهایت سپاس و قدردانی را دارم، زحمات بی‌دریغشان را صمیمانه ارج می‌نهم، که از محضرشان بسیار آموختم و خداوند را از این بابت شاکرم.

حمیرا ارسنجانی

مهر ۱۳۸۸

پیشگفتار

در یکی از نخستین آثار درباره عشق در مکتوبات عربی، نویسنده، ابوالحسن علی بن محمد الدیلمی (شکوفایی در اواخر سده چهارم / دهم) می‌گوید: "عشق مشهورترین و عالی‌ترین وضعیت در میان انسان‌هاست - اعم از خواص یا عوام، جاهل یا عالم... دیلمی اولین بخش این حقیقت فراگیر را بیان می‌کند که عشق در همه اشکالش، نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کند که فقط غریزه حیات بر آن سبقت می‌گیرد. از عشق در حوزه‌های مختلف پژوهشی بحث شده است، مانند روانشناسی، اخلاق، الاهیات، فلسفه، دین و طب. بسیاری از این مباحث با مؤلفه‌های میان‌رشته‌ای سر و کار داشته‌اند. و همانگونه که خواهیم دید، روابطی میان دو قسم اصلی عشق، یعنی عشق الاهی و زمینی، وجود دارد.

بیشتر صوفیان عشق الاهی را به مثابه یکی از مقامات مهم‌شان یا مهمترین مقام تلقی می‌کنند. با وجود این، تا جائیکه می‌دانیم، نظریات تمام‌عیاری درباره عشق قدسی در دوره‌های اولیه عرفان اسلامی ابداع نشده‌اند، و این دوره با اظهاراتی که وجوه متفاوتی از موضوع را بیان می‌کند مشخص می‌گردد. در تصوف، از سده چهارم / دهم، نظریاتی درباره عشق الاهی پدیدار می‌گردد. به رغم نقش مهمی که عشق در عمل و فهم تصوف ایفا می‌کند، پژوهش‌ها درباره این موضوع همچنان بسیار ناچیزند. صرف‌نظر از اثر کافی و وافی Bell^۱، به نام: *Love Theory in Later Hanbalite Islam*، که می‌تواند به هر محقق که

۱. Joseph N. Bell استاد عربی در دانشگاه برگن، اثر دیگر وی در باب عشق ترجمه کتاب عطف دیلمی در اثری به نام *Al-Daylami's Treatise on Mystical Love* است.

مشغول تحقیق در عشق الاهی در اسلام است کمک کند، و برخی از مقالاتی که درباره رساله ابن سینا در باب عشق بحث می‌کنند، هیچ اثر دیگری در خصوص نظریات خاص درباره عشق وجود ندارد.

هدف از نوشته موجود بررسی دو نظریه صوفیانه درباره عشق الاهی: نظریه ابوحامد محمد بن محمد الغزالی (م. ۵۰۵ / ۱۱۱۱) و نظریه ابوزید عبدالرحمان بن محمد الانصاری مشهور به الدبّاغ (م. ۶۹۶ / ۱۲۹۶) است. من به این جهت این دو عالم را برگزیدم که هر دوی آنها، برخلاف عالمان مسلمان متقدم، نظریات تمام‌عیاری درباره عشق الاهی ارائه می‌کنند و نیز، با وجود تأثیر شگرفی که غزالی بر دبّاغ داشته است، دبّاغ در برخی ویژگی‌های اساسی نظریه صوفیانه‌اش در باب عشق الاهی با او متفاوت است.

مقدمه‌ای که موضوع را در فلسفه یونان، یهودیت، مسیحیت و اسلام ارائه می‌کند بر بحث درباره غزالی و دبّاغ مقدم شده است. در اسلام، عشق قدسی آنگونه که در قرآن، حدیث، کلام، فلسفه و عرفان آمده است، پس از آن و مضافاً با عمق بیشتری بررسی شده است. امیدوارم که این مقدمه پیش‌زمینه کافی ارائه کند تا خوانندگان، حتی غیر متخصصان در عرفان اسلامی، را قادر سازد تا نظریات دو اندیشمند ما را دریابند.

۱. مقدمه

۱. عشق در فلسفه یونان

از آنجائیکه عشق الاهی صوفیه، در اسلام به گونه‌ای که ثابت خواهیم کرد، تا حد زیادی وامدار تفکر یونان باستان است طبعاً باید ویژگی‌های عمده این سنت فلسفی را به دست دهیم. چنانکه سینگر^۱ می‌گوید، هر بحثی درباره عشق، خواه عشق موقرانه، عشق رمانتیک و یا عشق دینی باید با افلاطون آغاز شود. بیشتر مباحثی که در زمینه عشق مطرح شده، در رساله مهمانی^۲ مذکور است.^(۱) در این گفت‌وگو، آریستوفانس اسطوره‌ای ارائه می‌کند که بر طبق آن در آغاز نوع بشر به سه جنس مذکر، مؤنث و دو جنسی تقسیم می‌شد. هر انسان با هیئت گوی‌مانند دارای چهار دست، چهار پا و یک سر بوده است. اینان، چون نیرومند بودند، به خدایان حمله کردند اما مغلوب شده و تقریباً از بین رفتند و تنها اندکی به لطف زئوس نجات یافتند. اما زئوس برای جلوگیری از طغیان مجدد انسان‌های کروی‌شکل، هر یک از آنها را به دو بخش تقسیم کرد. از آن پس، هر نیمه در اشتیاق آن نیمه‌ای است که از او جدا افتاده است. تقسیم به سه نوع

۱. Irving Singer، استاد فلسفه در ماساچوست و کمبریج که صاحب Ph.D از دانشگاه هاروارد است. این اثر مشهور او به نام *The Nature of Love* در سه جلد با این عنوانین: vol. 1 *Plato*، vol. 2 *Courtly and Romantic*، 1984 و vol. 3 *The Modern World*، 1987 به چاپ رسیده است.